
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع و نمونه سوالات

حوزه های مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی

«علوم اجتماعی»

مولفان: خدیجه کاشی‌لو – مژگان حقی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

دانش‌جویان رشته‌های علوم اجتماعی غالباً گرایش به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر از کارشناسی هستند. لکن به دلیل کثرت منابع موجود و خدمت محدود دچار مشکل می‌شوند و از طرفی برخی گرایشات بین رشته‌ای می‌باشد که این اثر نیز موجب افزایش منابع می‌گردد. همچنین داوطلبان نیاز به مرور مطالب خوانده شده و مطالعه منابع جدید نیز دارند. اما فرصت اندکی که پیش رو دارند مانع از دستیابی به این مهم می‌شود.

با عنایت خداوند متعال فرصتی مهیا شد تا هم منابع و هم زمان مطالعه بیش‌تر در اختیار دانشجویان گرامی قرار گیرد.

در این کتاب سعی شده با تلخیص منابع و گزیده نکات کلیدی و همچنین تست‌های طبقه‌بنده شده آزمون سراسری دانشگاه‌ها و پاسخ تشریحی آنها، فرصتی را که دانشجویان نیاز دارند که مطالب را مرور کرده و توانایی خود را بالا ببرند و از اضزراب و نگرانی خود بکاهند، فراهم شود.

در پایان از مدیریت انتشارات ارشد و همکاران ایشان که زمینه تألیف این کتاب را فراهم نمودند قدردانی و تشکر می‌نماییم.

فهرست مطالب

کتاب اول: جهان رهاشده گیدنز

فصل اول: یکپارچکی جهانی، توهم یا واقعیت» ۱۲
فصل دوم: ریسک ۱۵
فصل سوم: سنت ۱۷
فصل چهارم: خانواده ۱۹
فصل پنجم: مردم سالاری ۲۱
تستهای آخر فصل ۲۳
پاسخ تستهای آخر فصل ۲۴

کتاب دوم: مبانی رفاه «محمد زاهدی»

بخش اول: رفاه اجتماعی ۲۹
فصل اول: تعاریف و مفاهیم مربوط به رفاه اجتماعی ۲۹
فصل دوم: مفهوم عام و مفهوم خاص رفاه اجتماعی ۳۰
فصل سوم: نظریه‌های مربوط به رفاه اجتماعی ۳۰
فصل چهارم: فلسفه رفاه اجتماعی ۳۰
بخش دوم: سیر تاریخی رفاه اجتماعی ۳۳
فصل اول: تاریخچه رفاه اجتماعی در جهان ۳۳
فصل دوم: تاریخچه رفاه اجتماعی در ایران ۳۳
بخش سوم: اهداف برنامه‌های رفاه اجتماعی در ایران ۳۷
فصل اول: اهداف قبل و بعد از انقلاب ۳۷
فصل دوم: دفاه اجتماعی و توسعه ۳۸
بخش چهارم: شاخص‌های عمده رفاه ۴۳
فصل اول: جمعیت و رفاه اجتماعی ۴۳
فصل دوم: تغذیه، بهداشت ودرمان و رفاه اجتماعی ۴۳
فصل سوم: اشتغال، درآمد و رفاه اجتماعی ۴۳
فصل چهارم: تعلیم و تربیت و رفاه اجتماعی ۴۴
فصل پنجم: مسکن، فراغت و رفاه اجتماعی ۴۴

عنوان ..... صفحه

بخش پنجم: زمینه‌های (مشمولان) رفاه اجتماعی ۴۷
فصل اول: رفاه کودکان ۴۹
فصل دوم: رفاه سالمندان ۴۹
فصل سوم: رفاه کارگران ۴۹
فصل چهارم: رفاه معلولان ۵۰
فصل پنجم: رفاه کشاورزان ۵۱
بخش ششم: موسسات خدمات اجتماعی ۵۳
فصل اول: سازمان بهزیستی ۵۳
فصل دوم: سازمان تأمین اجتماعی ۵۴
فصل سوم: جمعیت هلال احمر ۵۴
تستهای آخر فصل ۵۵
پاسخ تستهای آخر فصل ۵۶

کتاب سوم: نفت، دولت و صنعتی شدن

مقدمه‌ی مترجمان ۵۹
فصل اول: چارچوبی برای تحلیل نقش دولت در اقتصاد در حال توسعه‌ی کشورهای صادرکننده‌ی نفت ۶۱
فصل دوم: توسعه سرمایه‌داری و تحول دولت در ایران از سال ۱۸۰۰ تا ۱۹۲۰ میلادی ۶۳
فصل سوم: ظهور دولت نوگرا و انباشت سرمایه: دوره بین دو جنگ جهانی ۶۹
فصل چهارم: دولت، نفت و نهادهای جدید انباشت ۷۱
فصل پنجم: نقش دولت در انباشت سرمایه، دوره‌ی نیمه‌آزاد ۷۳
فصل ششم: نقش کشاورزی در فرآیند صنعتی شدن ۷۷
فصل هفتم: دخالت دولت و بازسازی سرمایه صنعتی ۱۹۶۳ ـ ۱۹۷۷ ..... ۷۹
فصل هشتم: درآمد نفتی، تنگناهای ساختاری و رشد اقتصادی ۸۱
فصل نهم: نتیجه ۸۳

کتاب چهارم: اصول و مبانی نظام تأمین‌اجتماعی

فصل اول: کلیات ۸۷
فصل دوم: نقش دولت در توسعه و تعمیم و خدمات تامین اجتماعی ۹۱
فصل سوم: گستره‌ی حمایت‌های نظام تامین اجتماعی ۹۳
فصل چهارم: بیمه بازنشستگی تامین اجتماعی ۹۹
فصل پنجم: گستره و ویژگی‌های بیمه اجتماعی درمان ۱۰۵
فصل ششم: بیمه حوادث ناشی از کار ۱۱۱
فصل هفتم: بیمه ازکارافتادگی ۱۱۳
فصل هشتم: بیمه بیکاری ۱۱۵
فصل نهم: نظام حمایت‌ها و مساعدت‌های اجتماعی ۱۱۷
فصل دهم: حمایت‌های اجتماعی خاص ۱۱۹
فصل یازدهم: تامین اجتماعی از دیدگاه فرآیندهای اقتصاد کلان ۱۲۱
تستهای آخر فصل ۱۲۲
پاسخ تستهای آخر فصل ۱۲۴

عنوان ..... صفحه

کتاب پنجم: سازمان و مدیریت

بخش اول: مفاهیم بنیادی ۱۲۷
فصل اول: مدیریت ، مدیر ، سازمان در رفتار ۱۲۹
فصل دوم: مفهوم های مربوطه به مدیریت و بالندگی سازمانی ۱۳۱
بخش دوم: تئوری‌های سازمانی کلاسیک، نئوکلاسیک و مدرن ۱۳۳
فصل اول: ساختارهای سازمانی ۱۳۵
فصل دوم: تئوری های کلاسیک (سنتی) سازمان ۱۳۹
فصل سوم: تئوری نئو کلاسیک (رفتارگرا) سازمان ۱۴۳
فصل چهارم: تئوری های نوین سازمانی ۱۴۵
بخش سوم: رفتار در سازمانها ۱۵۱
فصل اول: لابیرنت مدیریت ۱۵۳
فصل دوم: ارتباطات ۱۵۷
فصل سوم: اختیار ، قدرت و تاثیر گذاری ۱۶۱
فصل چهارم: مدیریت و رهبری ۱۶۳
فصل پنجم: گروه در سازمانها ۱۶۷
فصل ششم: مدیریت و انگیزش ۱۷۱
فصل هفتم: تعارض در سازمان ها و مدیریت آن ۱۷۵
فصل هشتم: مدیریت مبتنی بر اهداف ۱۷۹
تستهای آخر فصل ۱۸۱
پاسخ تستهای آخر فصل ۱۸۳

کتاب ششم: تأمین‌اجتماعی

فصل اول: کلیات ۱۸۷
فصل دوم: سیاستها و نظام های تامین اجتماعی ۱۹۱
فصل سوم: تامین اجتماعی در دوره کلاسیک ۱۹۵
فصل چهارم: تأمین اجتماعی در دوره نوین ۲۰۱
تستهای آخر فصل ۲۰۴
پاسخ تستهای آخر فصل ۲۰۶

کتاب هفتم: نظریه رفاه سیاست اجتماعی چیست

فصل اول: رفاه ۲۰۹
فصل دوم: برابری ۲۱۵
فصل سوم: آزادی ۲۲۳
فصل چهارم: شهروندی ۲۳۱
فصل پنجم: مفاهیم جامعه شناختی کلیدی ۲۴۳
فصل ششم: ایدئولوژی‌های رفاهی ۲۴۷

عنوان.....صفحه
فصل هفتم: تقسیمات جدید اجتماعی ۲۵۵
فصل هشتم: تحولات اقتصادی اخیر ۲۵۹
فصل نهم: تحولات نظری اخیر ۲۶۵
تستهای آخر فصل ۲۶۸
پاسخ تستهای آخر فصل ۲۷۰

کتاب هشتم: اصول علم اقتصاد

بخش اول: کلیات ۲۷۵
بخش دوم: اقتصاد خرد ۲۸۱
فصل اول: تقاضا ۲۸۳
فصل دوم: کششهای تقاضا و انواع کالاها ۲۸۷
فصل سوم: نظریه رفتار مصرفکننده برمبنای مطلوبیت ۲۹۱
فصل چهارم: رفتار تولیدکننده (بررسی عرضه) ۲۹۳
فصل پنجم: عرضه ۲۹۵
فصل ششم: بازار و تعادل بازار ۲۹۹
بخش سوم: اقتصاد کلان ۳۰۳
فصل اول: تولید و درآمد ملی ۳۰۵
فصل دوم: تقاضای کل و سیاست مالی ۳۰۹
فصل سوم: پول و سیاستهای پولی ۳۱۳
فصل چهارم: تورم و بیکاری ۳۱۷
فصل پنجم: اقتصاد بین‌الملل ۳۲۱
تستهای آخر فصل ۳۲۴
پاسخ تستهای آخر فصل ۳۲۶

کتاب نهم: مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی

مترجمان ۳۲۹
فصل اول: موضوع سیاستگذاری اجتماعی ۳۳۱
فصل دوم: اندیشه‌ها و مفاهیم در سیاستگذاری اجتماعی ۳۳۵
فصل سوم: توسعه سیاستگذاری اجتماعی در بریتانیا ۳۴۱
فصل چهارم: سهم هرکس چیست؟ تقسیم کیک رفاه ۳۴۳
فصل پنجم: سیاستگذاری اجتماعی، سیاست و کنترل اجتماعی ۳۴۵
فصل ششم: سیاستگذار کیست ۳۴۹
فصل هفتم: کار و رفاه ۳۵۱
فصل هشتم: آیا متخصصان حرفه‌ای برای شما مفید هستند ۳۵۳
فصل نهم: آرمانشهر و آرمانها: سیاستگذاری مسکن و محیط زیست ۳۵۵
فصل دهم: مراقبت اجتماعی و محلهای ۳۵۷
فصل یازدهم: تفویض اختیار و سیاستگذاری اجتماعی ۳۵۹

عنوان..... صفحه

سؤالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۱..... ۳۶۹
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۱..... ۳۷۳
سؤالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۲..... ۳۷۷
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۲..... ۳۸۱
سؤالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۳..... ۳۸۵
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۳..... ۳۸۹
سؤالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۴..... ۳۹۲
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۴..... ۳۹۶
سؤالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۵..... ۴۰۰
سؤالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۵..... ۴۰۳
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۶..... ۴۱۰
سئوالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۷..... ۴۱۳
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۷..... ۴۱۷
سئوالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۸..... ۴۲۱
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۸..... ۴۲۵
سئوالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۹..... ۴۲۶
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۸۹..... ۴۳۰
سئوالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۰..... ۴۳۱
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۰..... ۴۳۴
سئوالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۱..... ۴۳۵
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۱..... ۴۳۸
سئوالات حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۲..... ۴۳۹
پاسخنامه حوزه‌ها و مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۲..... ۴۴۱

کتاب اول

جهان رها شده (گیدنز)

عناوین اصلی

- مقدمه
- فصل اول: یکپارچگی جهانی توهم یا واقعیت
- فصل دوم: یکپارچگی جهان
- فصل سوم: ریسک
- فصل چهارم: سنت
- فصل پنجم: خانواده
- فصل ششم: مردم‌سالاری

فصل اول

یکپارچکی جهانی، توهم یا واقعیت»

«مقدمه‌ی مترجمان

در ایران در این باره که پدیده‌ی یکپارچگی جهانی چیست؟ هنوز به طور جدی بحث نشده است، اگرچه این پدیده به دو صورت مورد توجه بوده است:

۱- تقلیل این پدیده به تهاجم فرهنگی، با گرایش تدافعی در مقابل پیامدهای آن.

۲- تقلیل این پدیده به اقتصاد جهانی، با گرایش عضویت در آن.

اگر این اظهار نظرها را جدی بگیریم باید گفت که آنان این پدیده را به طور جامع مورد بررسی قرار نداده‌اند. البته چنین برداشتی منحصر به جامعه ایران نیست. برخی چون جورج ریتزر آن را به بعد فرهنگی تقلیل داده است و این پدیده را چیزی جز «مک دونالدی شدن جوامع» نمی‌داند.

از طرف دیگر، در مورد این مسأله مطالعات و حتی ترجمه‌های اندکی صورت گرفته است. به همین دلیل هنوز معادل مناسبی برای واژه‌ی «globali zotion» انتخاب نشده است.

از معادل‌های انتخاب شده برای این واژه می‌توان به **جهانی شدن، سیاره‌ای شدن، کوچک شدن جهان و فراگیر شدن** اشاره کرد.

مناقشات عمده درباره یکپارچگی جهانی

درباره‌ی یکپارچگی جهانی سه دسته نظریه پردازی شده است:

۱- دسته‌ی اول: این پدیده را در حال گسترش می‌دانند که با کامل شدن این فرآیند، دولت رفاهی، نهادها و دولت ـ ملت از بین خواهند رفت و افراد بیش‌تری در موقعیت بازار جهانی قرار می‌گیرد.

از اندیشمندان شاخص این نظریه **اومای** است. اومای به نقش استراتژی و قدرت در بازارجهانی می‌پردازد؛ از نظر او رویکرد قدیمی که معتقد بود دولت‌ها باید مردم را در برابر خطر استثمار و حتی سرمایه محافظت کنند، مرده است و جای آن را بازار گرفته است. جریان سریع و گسترده اطلاعات که به مصرف‌کننده می‌رسد نقش دولت‌ها را در این زمینه از بین برده است. به نظر او منابع ملی و دولت از بین رفته است؛ مردم می‌خواهند به سبک عمومی و جهانی زندگی‌کنند، ارزش‌ها متکثر و اقتصاد پلورالیستی شده است.

دیگر قدرت دولت‌ها بر سه منبع اساسی اقتدار دولتی در دوران ماقبل جهانی‌شدن، یعنی اخذ ـ مالیات، تسلط و بهره‌گیری از منابع طبیعی و نیز کنترل نیروهای نظامی استوار نیست بلکه بر آگاهی مردم و جریان سریع اطلاعات متکی است.

وظیفه‌ی دولت‌ها آموزش و اطلاع رسانی آن هم آموزش برای عصر یکپارچگی جهانی است؛ دولت چاره‌ای ندارد جز اینکه در خدمت رشد و گسترش این پدیده باشند.

۲- دسته‌ی دوم: شکاکان می‌باشند که این پدیده را یک ایدئولوژی مانند لیبرالیسم می‌دانند که برای نهادینه کردن اقتصاد مبتنی بر بازار مطرح شده است:

دلایل آنها در رد یکپارچگی جهانی

۱. به ادعای این رویکرد، این پدیده پرسابقه نیست، زیرا سابقه‌ی توسعه اقتصاد بین‌الملل بر پایه‌ی فناوری صنعت مدرن به دهه‌ی ۶۰ برمی‌گردد.

۲. بیش‌تر شرکت‌ها اساس و پایه‌ای ملی دارند. تعداد شرکت‌های در حال انتقال به وضعیت به اصطلاح یکپارچگی جهانی اندک می‌باشند.

۳. جریان تحرک سرمایه‌گذاری و اشتغال از شرکت‌های توسعه‌یافته معطوف به شرکت‌های در حال توسعه است؛ و بیش‌تر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای پیشرفته متمرکز است.

۴. فاصله زیاد این اقتصاد با گلوبال جهانی: چرا که آنچه وجود دارد تمرکز جریان تجارت سرمایه‌گذاری است که بیش‌تر در ژاپن، آمریکای شمالی و اروپای غربی می‌باشد.

این رویکرد یکپارچگی را به لحاظ **اقتصادی** نقد می‌کند.

۳- رویکرد سوم را گیدنز مطرح می‌کند وی پدیده‌ی یکپارچگی جهانی را بسط و گسترش آنچه در گذشته است نمی‌داند، بلکه به نظر او این پدیده به نحو بنیادی جدید است.

برخلاف دیدگاه نخست، گیدنز معتقد است یکپارچگی جهانی صرفاً در بعد اقتصاد و بر اساس اقتصاد و بازار نمی‌باشد و لزوماً با پایان نهادهای گذشته مثل سیاست، خانواده و دولت ملت همراه نیست.

از ویژگی‌های یکپارچگی جهانی، ماهیت تجربی دورانی است که در آن زندگی می‌کنیم (گسترش علم و فناوری) یعنی مدرنیته متاخر انتشار پدیده‌ی احتمال خطر را افزایش داده است. این نوع خطر محصول کند و کاو تجربی است که به آن «خطر تولید شده» می‌گوییم که در مقابل خطر طبیعی مدرنیته متقدم قرار می‌گیرد.

به نظر الریش‌بک ریسک یا احتمال خطر چیز جدیدی نیست و همیشه در زندگی محتمل بوده است، آنچه تغییر کرده ماهیت ریسک است.

به نظر گیدنز مفهوم جامعه‌ای با ریسک سر و کار دارد فرصت‌های فردی و سیاسی را در مقابل ما می‌گشاید و درک پویایی از تغییر اجتماعی ارائه می‌دهد. پدیده‌ی یکپارچگی با توسعه سیستمی متفاوت است. و از سوی دیگر پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست بلکه این پدیده مجموعه‌ای از انتقال در حوزه‌ی زندگی، عواطف و روابط محلی و منطقه‌ای، انسان‌ها با یکدیگر است.

جهانی‌شدن پدیده‌ای چند بعدی است که در زمان و مکان‌های متفاوت، پیامدهای یک بعد آن، آثار متضادی در سراسر گیتی داشته باشد. او این عارضه را جهانی شدن دیالکتیکی می‌نامد. به عبارت دیگر بر ما روشن نیست که تأثیرات اقتصاد کشورهای آسیایی بر کشورهای اروپایی یا آمریکایی چگونه است؟ آیا تاثیرات آن مثبت است یا منفی؟

جهانی‌شدن افزایش تعمیق کنش با فاصله در زندگی انسان‌هاست.

موضوع دیگر، موقعیت بازیگران و تماشاگران است. توسعه جهانی‌شدن همراه است با متکثر شدن بازیگران که روندی همگرا و همسو با انقلاب تکنولوژیک است.

در اینجا دو سؤال اساسی مطرح است؟

۱- تاثیر این تغییرات بر دولت ـ ملت‌ها چیست؟

۲- آیا یکپارچگی جهانی همان غربی کردن است؟

در پاسخ، سؤال اول، دولت ملت‌ها به علت داشتن سرزمین، کنترل ابزار خشونت و قدرت نظامی، به علت تاسیس چهارچوب‌های قانونی، بیش‌تر از رقیبان قدرتمند خود یعنی بنگاه‌های بزرگ اقتصادی دوام می‌آورند. برخلاف آنچه گفته می‌شود، دولت نقش بزرگتری در یک جهان یکپارچه بازی می‌کند. اگرچه اهمیت آن‌ها باقی می‌ماند اما ساختار حاکمیت در حال تغییر است. دولت ـ ملت مجبور است هویتش را بازسازی کند.

در پاسخ به سؤال دوم، یکپارچگی جهانی **تحت تسلط** قدرت‌های غربی است. بیش‌تر بنگاه‌های بزرگ در غرب است. اما غلط است اگر نتیجه‌گیری کنیم که این پدیده‌ی صرفاً غربی است. جهانی‌شدن بسیار پیچیده‌تر و غیر متمرکزتر از آن است که آن را بتوان کنترل کرد. (در هر کشور غربی به همان اندازه اثر می‌گذارد که در هر کشور غیر غربی) اشتباه است اگر فکر کنیم یکپارچگی جهانی منشاء نابرابری اقتصادی است.

مسأله‌ی اساسی در نابرابری‌های جهانی، تلاش برای تحت کنترل درآوردن یکپارچگی و هدایت آن به سمت نیازهای بشر است.

فصل دوم

ریسک

برخی ریسک را همان خطر یا اتفاق تصور می‌کنند. زیرا ریسک را احتمال فاجعه یا ضرر تعریف می‌کنند؛ یعنی چیزی که به منزله‌ی **خطر بالقوه در آینده** ملاحظه شده یا چیزی که احتمال دارد اتفاق بیفتد اما نمی‌خواهید در جریان عملی که شروع می‌کنید اتفاق بیفتد.

شما می‌توانید بگویید که زندگی همیشه خطرناک و پرحادثه بوده است. اما وقتی به تاریخ و ریشه‌شناسی لغات نظری می‌اندازید ملاحظه می‌کنید که خطر و حادثه ریسک نیستند. در قرون وسطی و فرهنگ‌های سنتی مفهومی از آینده و ریسک وجود ندارد؛ چون در اینجا درگیر جهانی هستیم که با ایده‌هایی به وسیله‌ی خدایان تعیین و تاسیس شده است. ایده‌ی ریسک وقتی توسعه می‌یابد که دارای جامعه‌ای فعال باشیم که سعی در تسخیر آینده دارد. برآمدن موضوع ریسک از توسعه‌ی تمدن صنعتی جدید در قرن **۱۷** نشأت می‌گیرد. از توسعه نخستین‌بار تمدن غربی به وسیله‌ی فناوری، علوم، استنتاج از قبول اینکه دنیا یک محل غیرقابل تغییر است و شروع این باور که نمی‌توانیم تاریخ خود را بسازیم سلطه یافت. **ایده‌ی ریسک** به کنترل زمان و آینده و اساساً تا حدود زیادی به کنترل فضا محدود شده است.

ایده‌ی ریسک در جامعه‌ای ظهور پیدا می‌کند که به کنترل آینده نظر می‌افکند و این مهم، بزرگترین انشقاق در تاریخ تمدن است.

در فرهنگ‌های سنتی، اعتقاد به خدا، چارچوب افقی برای تغییر فراهم می‌کند. به موازات ظهور ایده‌ی ریسک بشر باید مسئول امنیت فردی و جمعی خود باشد.

ریشه‌ی دیگر اصطلاح ریسک، جرأت داشتن است. شما در کاری که جرات دارید باید ریسک کنید. ریسک امری **بنیابینی** است و برداشتی پویا از جهان است.

ریسک ذاتاً منفی است چون دارای عواقبی است که می‌خواهید از آن اجتناب کنید. اما برای رسیدن به نتایج مثبت باید این عواقب را به حساب آورید.

برای مفهوم پویای سرمایه‌داری غربی، جایی که ریسک مفهوم مثبت به نظر می‌رسد اساسی است، که همان اقتصاد است. چون بنیاد سرمایه‌داری بر اساس تلاش برای محاسبه‌ی ریسک آینده است.

در اواخر قرن **۲۰** ، با شدت گرفتن یکپارچگی جهانی، ساختار ریسک در حال تغییر است. از ریسک خارجی به ریسک تولید شده رسیده‌ایم. ریسک خارجی ناشی طبیعت است. ریسک تولید شده دخالت بشر در تاریخ و طبیعت از طریق دانش و فناوری را گوییم. این امر نتیجه‌ی دو امر است: ۱ـ **پایان طبیعت** ۲ـ **پایان سنت.**

پایان طبیعت به معنای آن نیست که جهان فیزیکی ناپدید می‌شود بلکه چیزهای بسیار کمی در جهان خارجی وجود دارد که تحت‌تاثیر فناوری بشری یا تاثیر انسان به هر طریق قرار نگیرد.

پایان سنت یا سنت‌زدایی : به معنای ناپدید شدن سنت نیست بلکه به این معناست که سنت کمتر از گذشته زندگی ما را تغییر می‌دهد.

مفهوم ریسک یا عقب‌نشینی تقدیر گره‌خورده است. ما کاری را انجام نمی‌دهیم که صرفاً در گذشته می‌شده است. ما با حق انتخاب و آینده باز و ریسک روبه‌رو هستیم. هنگامی که سنت کنار گذاشته می‌شود ترکیب قدرتمندی از رهایی و نگرانی را به همراه دارد. چون نمونه‌هایی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان تصمیم گرفت. با ظهور ریسک تولید شده سیاستمداران بین متهم شدن به ایجاد وحشت و کتمان حقیقت در نوسانند.

جهان مدرنیته‌ی متاخر به شدت بازتابی است که در آن اطلاعات زیادی وجود دارد. بازتاب این اطلاعات شالوده و هویت ما را می‌سازد.

در پایان باید گفت که ارتباط ما با دانش و فناوری تغییر کرده است. به این دلیل که در محیط‌باز ریسکی و فرهنگ‌های بازتابی‌تر در گفت‌وگو مستمر با دانش و فناوری هستیم. این گفت و شنود حالت سیاسی به خود می‌گیرد. چون ما باید در محیط‌های ریسکی جدید تصمیم بگیریم. دانش اساساً طرز تلقی انتقادی ما نسبت به دنیایی است که در آن حاضر به بازنگری حتی عزیزترین اعتقادات خود هستیم. زیرا هر حوزه‌ای از زندگی، اعم از غذا، آب و هوا، بازارهای مالی، در معرض گفت‌وگوی همراه با آزادی عمل است در حالی که هیچ متخصصی نظر نهایی را ابراز نمی‌کند.

این امر به این معناست که دانش و فناوری جنبه‌ی سیاسی پیدا کرده، دلیل آن هم این است که چون دانش و فناوری جهانی شده با سرعتی بیش از گذشته بر ما اثر می‌گذارد. : ایده‌ی تشخیص ریسک قابل مشاهده به دلیل عناصر بازتابی‌اش بسیار مشکل است.

فصل سوم

سنت

امروزه می‌توان عصر فراگیر جهانی را نبردی بین مدرنیته و سنت تلقی کرد.

اگر به آیین‌های مذهبی یا به چیزهایی که سنتی به نظر می‌رسد نظر بیفکنید، درمی‌یابید که آنها بیشتر ابداعات متاخرتر مربوط به تاریخ کالایی شدن امور هستند تا چیز دیگر.

هابز بام اذعان می‌کند که چون این سنتها ابداعی هستند و بر اساس مدلی آگاهانه ابداع شده‌اند، سنتی واقعی نیستند. به اعتقاد او سنتهای ابداع شده از سنتهای اصیل مدت بیشتری در تاریخ رسوب کرده‌اند اما ابداعهای آگاهانه، به طور عادی ایجاد نشده‌اند.

عناصر مهم بسیاری در سنت رفتاری وجود دارد:

۱ـ سنت درگیر با شکلهایی از مراسم و آیین‌ها و رفتارهای تشریفاتی است که هست سنت می‌باشد. حقیقت سنت تشریفات و آیین است و محدود به عرف می‌باشد. رفتار سنتی همیشه با رفتاری درگیر است که در حوزه‌ای معین تکرار و باز انجام می‌شود. و آیینها تا جایی که به صورت مراسمی خاص انجام گیرد، محور هر چیز سنتی است.

۲ـ سنت تا حد زیادی جمعی است و با ارتباط بین آیین‌های تکراری و باز انجام تشریفات و انجام دادن جمعی آنها کاری صورت می‌گیرد که بدین نحو آن را سنت تعریف می‌کنند.

۳ـ سنتها همیشه نگهبان هستند و نگهبانان با متخصصان تفاوت دارند. نقش اصلی نگهبانان سنت این است که آنها رازدار اطلاعاتی هستند که افراد عامی فاقد آنند. این مساله با تخصص تفاوت دارد، چون تخصص، در اصل در دسترس همه است.

۴ـ به تجربه بنیادگرایی امروز، مربوط است که عنصری هیجانی و احساسی است و مانند یک درگیری هیجانی با آیین و مراسم سنتی همراه است. سنت تسلطی را به همراه دارد که به صورت عرفی با هویت اشخاص دیگر است و هیجانات در آن قرار می‌گیرد.

فیلسوفان عصر روشنگری سنت را در سطحی وسیع موضوعی جزمی و سدی در مقابل دانش تلقی می‌کردند؛ بنابراین سنت و مدرنیته از عصر روشنگری از یکدیگر متمایز بوده‌اند. نتیجه این نگرش این بوده که سنت اغلب خرافات و تبعیض غیرعقلانی به حساب می‌آمده است. این دیدگاه عصر روشنگری درباره سنت درست نیست. سنتها از جریان نوسازی دور نمی‌شوند و در یک ارتباط همزیستی درونی با مدرنیته درگیر هستند.

امروزه دو روند مهم در جهان در حال وقوع است که ارتباط ما با سنت را تغییر می‌دهند.

۱ـ در حالی که وارد عصر جهانی معاصر می‌شویم، کشمکش بین مدرنیته و سنت بتنهایی مساله‌ای جهانی می‌شود. اگرچه سنتها تغییر می‌کنند و سنتهای جدیدی ابداع می‌شوند. در طول نسلها تداوم می‌یابند. اما اکنون با تعمیم مدرنیته و تاثیر رسانه‌های گروهی و ارتباطات در سراسر جهان، تقریباً غیرممکن است تا سنت را به روش سنتی تجربه کنیم.

۲ـ روند یکپارچگی جهانی که بر سنت تأثیر می‌گذارد «رادیکالیزه شدن مدرنیته» است. این امر به معنای گشوده شدن درهای زندگی روزمره به سوی اصول مدرنیته است؛ یعنی به طرح سوال، داشتن انتخاب و حق تصمیم‌گیری.

ایده وسواس و واقعیت اجبار به صورت مشخصه‌های فردی، همزمان با زوال سنت در زندگی شخصی، به شکل بی‌حفاظ امکانات و توانایی‌های رهایی‌ساز، ظاهر شده که با انتقال سنت درگیر بوده است.

کشمکش بین سنت و مدرنیته تغذیه کننده بعضی از همان اضطرابات زندگی و عامل ظهور بنیادگرایی است. بنیادگرایی بیان و تجلی یکپارچگی جهانی و بازتاب آن است و با ویژگی تغییرات در این پدیده پیچیده ارتباط تنگاتنگ دارد.

بنیادگرایی، سنت را به مصاف با نظام‌های ارتباطی جدید محصولات یکپارچگی جهانی و مدرنیته آورده است.

ساده‌ترین تعریف از آن اساساً امتناع آن از گفتگوست.

اصل دیگر بنیادگرایی امتناع از مرام مدرنیته است؛ مرامی که می‌گوید هیچ امر مقدسی وجود ندارد و هر اعتقادی قابل تجدید نظر است.

فصل چهارم

خانواده

دو قرائت متضاد از خانواده وجود دارد:

۱ـ حامیان خانواده سنتی: اینان به لحاظ سیاسی تمایلات راست دارند. آنان می‌گویند برای اینکه جامعه و زندگی خودمان را به عقب بازگردانیم، لازم است از خانواده سنتی حمایت کنیم.

۲ـ لیبرال‌ها که دیدی کاملاً مخالف دارند. آنان معتقدند آن چه در حال رخ دادن است تکثر انواع شکل‌های خانواده است که با تغییر شکل و زندگی شخصی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. اینان به لحاظ سیاسی تمایلات چپ دارند.

ویژگی‌های خانواده سنتی

۱ـ خانواده سنتی گرایش به این دارد تا در نهاد ازدواج، نقش‌های ثابتی را برای مرد و زن قایل شود.

۲ـ در خانواده سنتی در تمام انواعش، در ابتدا یک واحد اقتصادی بوده که در آن داشتن فرزند معمولاً امتیاز محسوب می‌شده است.

۳ـ در خانواده سنتی، زنان تقریباً در همه فرهنگها ملک شوهر بودند.

۴ـ در خانواده سنتی، شکل خاصی از تمایلات جنسی وجود دارد، یعنی سلطه اکید تمایلات جنسی بود.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تغییرات عمیقی در آن رخ داده است، این تغییرات به این معنی است که راه بازگشتی به خانواده سنتی وجود ندارد، چون خانواده سنتی بر عدم تعادل قدرت استوار است، و این عدم تعادل قدرت با دموکراسی سازگاری ندارد.

به لحاظ جامعه‌شناسی خانوده به کجا می‌رود؟ پاسخ سیاسی ما به این تغییرات چیست؟

نخست آن که در جوامع معاصر در سراسر دنیا خود و هویت شخص به طور روزافزون بازتابی شده است. هویت شخص در بازتاب مدرنیته متاخر شرکت می‌کند و این وضعیت به سراسر دنیا تعمیم می‌یابد.

دوم آن که در جامعه معاصر، بدن به طور روزافزونی بازتابی می‌شود و این امر بخشی است از آن چه آن را پایان طبیعت می‌نامیم. پایان طبیعت، دنیایی است که در آن حوادث به طور طبیعی اتفاق می‌افتد و دست بشر و فناوری به آن نمی‌رسد. ما دیگر بدن را مانند گذشته ملاحظه نمی‌کنیم. بدن صرفاً ضمیمه و همراهی در زندگی نیست؛ زیرا اکنون تقریباً به طور کامل مورد تعرض فناوری جدید و اشکال بازتابی دانش و معرفت، مثل رژیمهای غذایی قرار دارد.

با این تغییرات چه نوع خانواده‌ای در حال ظهور است؟

آن چه در حال رخ دادن است حداقل امکانی است که آن را «دموکراسی احساسات» می‌دانند.

دموکراسی احساسات، قرار دادن زندگی روزمره در موازات با معیارهای دموکراتیک‌تر است.

دموکراسی و ارتباط خوب، هر دو با کیفیتهای جدیدی درگیر می‌شوند:

۱ـ مرحله نخست: برابری است در روابط جنسی یا شخصی، فرض می‌کنید که شخص دیگر با شما برابر است. برابری با اشخاص دیگر ارزش هنجاری در یک رابطه خوب است.

۲ـ استقلال شخص دیگر: مردم با یکدیگر رابطه اجباری ندارند، بلکه رابطه آزاد و مستقلی را با هم می‌سازد که در آن آنقدر آزادی دارند تا چگونگی فضای شخصی را درون این روابط تعریف کنند.

۳ـ احترام: یعنی اینکه شما به نیازها و علایق شریک خود احترام می‌گذارید.

۴ـ ارتباط اساسی با اشخاص دیگر در یک رابطه خوب: در فرهنگ مدرن شما می‌توانید این امر را ابداع رابطه خصوصی و نزدیک بخوانید. ایده رابطه خصوصی برای ایجاد یک رابطه خوب اساسی است. این کار به مفهوم خودافشایی یعنی آشکار کردن خود برای شخص دیگر است.

۵ـ یک رابطه خوب فارغ از خشونت است.

گرایش به ظهور امکانات دموکراتیک در سه حوزه اصلی وجود دارد، که شخص می‌تواند در آن از روابط شخصی سخن بگوید:

۱ـ رابطه مربوط به رابطه جنسی و ازدواج است.

۲ـ این امر در مورد رابطه دوستی نیز صادق است.

۳ـ مساله نهایی، روابط بین ولی و فرزند است.

فصل پنجم

مردم سالاری

دموکراسی یک تاریخ بلند و نیز یک تاریخ کوتاه دارد.

تاریخ بلند دموکراسی مربوط به خاستگاه آن در دوران قدیم است.

تاریخ کوتاه دموکراسی ارتباط بین دموکراسی و ظهور جامعه صنعتی مدرن می‌باشد.

ایده دموکراسی توده‌ای، که هرکس، بدون توجه به جنس یا تمکن، باید حق شرکت در روند دموکراتیک را داشته باشد، اساساً با انقلاب امریکا و فرانسه معرفی شد.

برای توضیح درباره توسعه دموکراسی، باید نیروهای ساختاری را تحلیل کنیم.

نخست باید به تاثیر یکپارچگی جهانی اشاره کرد. یکپارچگی جهانی را نباید صرفاً توسعه میدان‌های بازار جهانی تصور کرد. این تغییرات به وسیله انقلاب ارتباطات و توسعه و تعامل ارتباطات ماهواره‌ای و فناوری اطلاعاتی ایجاد می‌شود، و جهانی را به وجود می‌آورد که هیچ چیز نمی‌تواند در آن مخفی باشد.

در جهانی که به طور روزافزون یکپارچه‌تر می‌شود، مردم به صورت بالقوه به یک اندازه به اطاعات دسترسی دارند. دوم اینکه آن چه برای بنگاهها کاربرد دارد، برای دولتها نیز می‌توان اجرا کرد. دیگر جایی نیست که بتوان آن را پنهان کرد. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که به وسیله جامعه جهانی کنترل می‌شود.

سوم اینکه ما با ظهور جمعیت بازتابی‌تری در جهان مواجه هستیم. جهان بازتابی جهانی است که شما اطلاعات را در آن به کار می‌گیرید و با فعال کردن استفاده از آن اطلاعات، زندگیتان را نظم می‌دهید، با کسانی که تعریف دیگری از این اطلاعات دارند مجادله می‌کنید و امکاناتی را کشف می‌کنید که برایتان فراهم شده است.

چهارم اینکه در سراسر دنیا پدیده‌هایی اساسی وجود دارد که در هر نوع تحلیل ساختاری جامعه جهانی بسیار مهم است. درباره اهمیت برابری جنسی در دموکراسی نمی‌توان بیش از حد مبالغه کرد؛ چون حتی در پیشرفته‌ترین دموکراسیها نیز زنان را از حقوق خود محروم کرده‌اند.

برابری فرایند جنسی بتنهایی عامل اصلی یکپارچگی جهانی در دنیای معاصر است که با ورود زنان به نیروی کار در ابعاد وسیعتر بیش از پیش تقویت شده است.

این عوامل زمینه‌ساز دموکراسی است زیرا با ظهور نظم اطلاعاتی جهانی شده که در آن مردان و زنان تساوی بیشتری دارند، این عوامل، در بیشتر کشورها، مانند اهرمهای ساختاری اثر گذارند.

این نیروها به دو دلیل سبب بی‌علاقگی به دموکراسی‌های مستقر شده هستند:

۱ـ یکی اینکه در چنین دموکراسی‌هایی سطح تحصیلات جمعیت بالا می‌رود و مردم درمی‌یابند که سیاستمداران نمی‌توانند بسیاری از ادعاهایشان را توجیه کنند.

۲ـ وقتی شما به سوی نظم اطلاعاتی جهانی شده و باز حرکت می‌کنید، شکلهای قدیمی مشروعیت سیاسی بی‌اثر می‌شود.

ما ایده خوبی از آن چه یک حزب دموکراتیک و یک جامعه مطلوب هستند داریم که در جهان معاصر وجود دارد. وجود آنها به تعادل بین سه دسته عوامل بستگی دارد:

۱ـ دولت با کفایت. جامعه‌ای که دولت بی‌کفایتی دارد نمی‌تواند نظام دموکراتیک مطلوبی داشته باشد.

۲ـ اقتصاد مبتنی بر بازار که به حد کافی قوی باشد، تا امر بازار را پیش برد. علامتهایی بین تولیدکننده و مصرف کننده فراهم کند و کامیابی اقتصادی معقولی را ایجاد کند.

۳ـ جامعه مدنی، بدون آن نمی‌توان دو عامل اول را متعادل کرد.

دموکراسی منظومه‌ای: جهانی‌کردن نهادهای دموکراتیک. ارتباطات ساده‌تر از گذشته است و از این رو، واگذاری قدرت از بالا به پایین می‌تواند همراه با واگذاری قدرت از پایین به بالا باشد.

تستهای آخر فصل

۱- نظریه اومای ژاپن در مورد جهانی شدن در «گفتمان جهانی شدن» در چه دسته‌ای جای می‌گیرد و مضمون آن چیست؟

۱) در دسته ضد جهانی شدن – و مضمون آن نقش کارتل‌ها و شرکت‌های نفتی در افزایش شکاف درآمد بین شمال و جنوب است.

۲) در دسته معتدلان – و مضمون آن قدرت سازمان‌های جهانی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است.

۳) در دسته افراطیون – و مضمون آن از بین رفتن نقش دولت- ملت‌ها در جهان جهانی‌شونده است.

۴) در دسته شک‌گرایان- و مضمون آن قدرت دولت- ملت‌ها در ساختن اتحادیه‌های منطقه‌ای است.

۲- دیدگاه لیبرال‌ها در مورد خانواده چگونه است؟

۱) از خانواده سنتی دفاع می‌کنند.

۲) اعتقاد به تکثر انواع شکل‌های خانواده دارند.

۳) از مجاز دانستن طلاق انتقاد می‌کنند.

۴) در نهاد ازدواج نقش‌های ثابتی را برای زن و مرد قایل می‌شوند.

۳- نظم اطلاعاتی باز به چه معناست؟

۱) فرایندهایی که قدرت را پنهان می‌کردند، برای ادامه روند گذشته با مشکل مواجه می‌شوند.

۲) با ظهور جمعیت بازتابی‌تری در جهان مواجه هستیم.

۳) دنیا به وسیله معامله جهانی کنترل می‌شود.

۴) امور دنیا بسیار متفاوت‌تر از گذشته شده است.

۴- رادیکانیزه شدن مدرنیته: ....

۱) به معنای الحاق دو حیطه عمومی و خصوصی است.

۲) به معنای گشوده شدن درهای زندگی روزمره هب سوی اصول مدرنیته است.

۳) به معنای رهایی است که سنت‌زدایی زندگی روزمره را الزامی می‌کند.

۴) به معنای جدایی روزافزون دو حیطهٔ عمومی و خصوصی است.

پاسخ تستهای آخر فصل

۱- گزینه «۱»

۲- گزینه «۲»

۳- گزینه «۱»

۴- گزینه «۲»

کتاب دوم

مبانی رفاه «محمد زاهدی»

عناوین اصلی

- بخش اول: رفاه اجتماعی چیست؟
- بخش دوم: سیر تاریخی رفاه اجتماعی
- بخش سوم: اهداف برنامه‌های رفاه اجتماعی در ایران
- بخش چهارم: شاخص‌های عمده رفاه
- بخش پنجم: زمینه‌های (مشمولان) رفاه اجتماعی
- بخش پنجم: مؤسسات خدمات اجتماعی

بخش اول

رفاه اجتماعی چیست؟

عناوین اصلی

- فصل اول: تعاریف و مفاهیم مربوط به رفاه اجتماعی
- فصل دوم : مفهوم عام و خاص رفاه اجتماعی
- فصل سوم: نظریه‌های مربوط به رفاه اجتماعی
- فصل چهارم : فلسفه رفاه اجتماعی